

نام و نام خانوادگی:	زکواره ناگرو دانش بجوی	پایان نوبت دوم
نام درس: زبان عربی (انسانی)	علوی	تاریخ برگزاری آزمون: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰
پایه تحصیلی: یازدهم	مؤسسه علمی آموزشی علوی	مدت زمان پاسخگویی: ۹۰ دقیقه
ردیف	پاسخنامه (بان عربی (انسانی) پایه یازدهم	
۱	<p>۱- کلمه‌ای را که زیرش خط کشیده شده، ترجمه کن. الف) تربوی: تربیتی (این یک نمونه تربیتی است تا همه جوانان را با آن هدایت دهد). ب) التخفیض: تخفیف (پس از تخفیف، دو بیست و بیست هزار [تومان] به من بده).</p>	
۲	<p>مفرد یا جمع را بنویس. الف) عدو مفرد و جمع آن اعداء است. ب) وکناات جمع مؤنث سالم و مفرد آن وکنة است.</p>	
۳	<p>کلمه‌ای را که از نظر معنی با کلمات دیگر تناسب ندارد، مشخص کن. الف) مرغ مگس خوار - دارکوب - زقزاق - مار. سه کلمه اول اسم پرندگان، ولی کلمه آخر اسم یکی از خزندگان است و با بقیه تناسب ندارد. ب) مغز - شن - دهان - پوست. شن یا بقیه که مربوط به بدن انسان و سایر جانوران هستند، تناسب ندارد.</p>	
۴	<p>دو کلمه مترادف و دو کلمه متضاد را مشخص کنید. (دو کلمه اضافی هستند). أخفی (پنهان کرد)، با أظهر (آشکار کرد) متضاد هستند. حدث و کلم (سخن گفت، صحبت کرد) مترادف هستند. کرر (تکرار کرد) و أصلح (اصلاح کرد) اضافی هستند.</p>	
۵	<p>این جملات را ترجمه کن. الف) گاهی دانشمندان زبان عربی و فارسی ابعاد این تأثیر را در مطالعاتشان بیان می‌کنند. قد + فعل مضارع - گاهی، شاید ب) باید بدانیم که تبادُل کلمات میان زبان‌ها چیزی طبیعی است. علیتنا: ما باید، بر ما واجب است، بر ما لازم است. ج) به بزرگی که خوار شده، توانگری که تهی دست شده و دانشمندی که میان نادانان تباه شده رحیم کنید. د) کریستی براون در خانواده‌ای تهی دست به دنیا آمد و مبتلا به فلج مغزی شد. ه) خداوند سخن کسی را که صدایش را بدون دلیلی منطقی بالا می‌برد به صدای الاغ تشبیه کرده است. قد شبّه: تشبیه کرده است. قد + فعل ماضی - ماضی بعید. و) بسیاری از شاعران ایرانی معنایی دارند و بعضی از آنان ابیاتی آمیخته با عربی سروده‌اند. ز) هرکسی در آفرینش (مخلوقات) خدا بیاندیشد، قدرت خدا را مشاهده می‌کند. یتفکر: فعل شرط مضارع است و به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.</p>	
۶	<p>پاسخ صحیح را مشخص کن. الف) گزینه «۱» - من: اسم شرط است و به صورت «هرکسی» ترجمه می‌شود. البته می‌توان آن را به صورت «کسی که» هم ترجمه کرد. فکّر فعل شرط ماضی و قلّ فعل جواب شرط ماضی هستند و می‌توان آنها را به صورت ماضی یا مضارع التزامی ترجمه کرد. ب) گزینه «۲» - أ: همزه استفهام و به معنی «آیا» است. «لم» پیش از فعل مضارع می‌آید و معنی آن را به ماضی منفی تبدیل می‌کند.</p>	
۷	<p>ترجمه عبارت‌ها را کامل کن. الف) می‌گویند - آگاه‌تر. ب) ساکت بودم - نمی‌دانستم. کان + اسم فاعل - ماضی - کانت + فعل مضارع - ماضی استمراری. ج) آب‌انبارها - پیرس. المصانع به معنی آب‌انبارها و کارخانه‌ها می‌آید که در اینجا با توجه به معنی جمله، همان آب‌انبارها درست است. سئل (پیرس): فعل امر از سأل يسأل سؤالاً است که به صورت إسأل هم می‌آید.</p>	

نام و نام خانوادگی:	زکواره ناگور دانش بجوی	پایان نوبت دوم
نام درس: زبان عربی (انسانی)	علوی	تاریخ برگزاری آزمون: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰
پایه تحصیلی: یازدهم	مؤسسه علمی آموزشی علوی	مدت زمان پاسخگویی: ۹۰ دقیقه
ردیف	پاسخنامه (بان عربی (انسانی) پایه یازدهم)	
۸	<p>فعل‌هایی را که زیرشان خط کشیده شده، ترجمه کن.</p> <p>الف) گاهی جستجو می‌کنی. (گاهی چشمه زندگی را در تاریکی‌ها جستجو می‌کنی). تفتَّش: جستجو می‌کنی (معلوم) - تفتَّش: جستجو می‌شود (مجهول).</p> <p>ب) هرگز به نیکی نخواهید رسید تا اینکه از آنچه دوست می‌دارید انفاق کنید. لَن یش از فعل مضارع. آن را به آینده منفی تبدیل می‌کند.</p> <p>ج) یا بسیار دروغگو مشورت نکن. چه او مانند سراب است. لا تستشیر (مشورت نکن): فعل امر از باب استفعال (استشمار بستشیر استشارة) است. الكذاب: بر وزن فعال اسم مبالغه است.</p> <p>د) دانش‌آموزان باید بدانند که باری امتحانات در یادگیری درس‌هایشان است. فلیعلموا (باید بدانند): فعل امر غایب است که به صورت «باید + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.</p>	
۹	<p>اسم فاعل، اسم مفعول، اسم تفضیل، اسم مبالغه، اسم مکان و جار و مجرور را مشخص کن.</p> <p>اسم فاعل: طَلَّاب جمع طالب بر وزن فاعل، اسم فاعل از ثلاثی مجرد (طَلَّبَ يَطْلُبُ طَلْباً) است.</p> <p>اسم مفعول: مَوْظَّف بر وزن مَفْعَل اسم مفعول از باب تفعیل (وَوَظَّفَ يُوْظِفُ تَوْظِيفاً) است.</p> <p>اسم تفضیل: خیر، به معنای بهترین. الآخرین جمع الآخر که در اصل به صورت الآخر و بر وزن أفعال تفضیل است.</p> <p>اسم مبالغه: رسَّام و فُهَّام بر وزن فَعَّال از فعل ثلاثی مجرد (رَسَّمَ يَرْسُمُ رَسْماً - فُهِّمَ يَفْهِمُ فُهْمًا) اسم مبالغه هستند. رسَّام بر اسم شغَل دلالت می‌کند.</p> <p>اسم مکان: المدرَّسة بر وزن المفعلة.</p> <p>جار و مجرور: لِلطَّلَّابِ (لِ + الطَّلَّابِ)</p>	
۱۰	<p>فعل شرط و جواب آن را مشخص کن.</p> <p>تنصروا که بلافاصله پس از ادات شرط آمده، فعل شرط است و ينصركم جواب شرط است و یثبت هم به جواب شرط عطف شده است. یعنی با حرف عطف واو به آن پیوند یافته و به تبعیت از آن، مجزوم شده است.</p>	
۱۱	<p>نقش کلمات تعیین شده را مشخص کن.</p> <p>الف) رسولاً: مفعول برای فعل متعدی أرسلنا - فرعون: فاعل برای فعل عصى.</p> <p>ب) النبی: مضاف الیه و مجرور.</p> <p>ج) نور: خبر است و مبنی‌ای آن، العلم است.</p>	
۱۲	<p>اسم و خبر افعال ناقصه را در عبارت مشخص کن.</p> <p>کان: فعل ناقصه - آیات: اسم مؤخر کان و مرفوع - فی یوسف: خبر مقدم کان که به صورت جار و مجرور آمده است.</p> <p>ب) عبارت زیر را براساس قواعد افعال ناقصه ترجمه کن.</p> <p>یک انگشتر طلا داشتیم. لی: دارم - کان لی: داشتیم.</p>	
۱۳	<p>پاسخ درست را انتخاب کن.</p> <p>الف) أن أذهب: که بروم. (می‌خواهم که صبح به کتابخانه بروم) - لم يذهب: ماضی منفی و برای سوم شخص مفرد (للغائب) است، درحالی‌که فعل آرید برای اول شخص مفرد (للمتكلم وحده) است.</p> <p>ب) قد رأيت: که آن را دیده بودم. (امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم) - لن أراه (هرگز آن را نخواهم دید) آینده منفی است و با توجه به اینکه فعل اشتریت ماضی است و «من قبل: قبلاً، بیشتر» هم برای زمان گذشته است نمی‌توان این فعل را در جای خالی آورد.</p>	
۱۴	<p>نوع افعال را در جملات زیر مشخص کن.</p> <p>الف) لم ينجح: لم + فعل مضارع، به معنی ماضی منفی می‌آید. (او موفق نشد بلکه شکست خورد).</p> <p>ب) تكلموا: سخن گفتند، صحبت کردند. فعل ماضی. (مردم با دوستانشان درباره مشکلاتشان سخن گفتند).</p>	

نام و نام خانوادگی:	زکواره ناگرو دانش بجوی	پایان نوبت دوم
نام درس: زبان عربی (انسانی)	علوی	تاریخ برگزاری آزمون: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰
پایه تحصیلی: یازدهم	مؤسسه علمی آموزشی علوی	مدت زمان پاسخگویی: ۹۰ دقیقه
ردیف	پاسخنامه (بان عربی (انسانی) پایه یازدهم)	
۱۵	جای خالی در ترجمه را براساس قواعدی که در (باره) معانی جمله پس از نکره خوانده‌ای، پر کن. که - یاری کند. یساعدنئ: جمله وصفیه است که پس از اسم نکره آمده و آن را توصیف می‌کند. پس در ترجمه از «که» استفاده می‌کنیم. این فعل و فعل اول جمله، هر دو مضارع هستند، بنابراین آن را به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم.	
۱۶	کدام کلمه از این کلمات، مناسب توضیحات است؟ «فروتن - ترازو - حلال - دوستی - بسیار فخر فروش» الف) کسب آن، بهترین اعمال است: الحلال: حلال ب) انسانی که بسیار به خودش افتخار می‌کند: الفخور: بسیار فخر فروش	
۱۷	جمله درست و نادرست را براساس حقیقت و واقعیت مشخص کن. الف) جام، ظرفی است که با آن، آب یا جای نوشیده می‌شود: درست ب) باغ شاهزاده نزدیک کرمان، بهستی در بیابان است: درست ج) دستبند، زبوری فقط از طلا در دست زن است: نادرست. دستبند می‌تواند از هر جنسی باشد. د) پایین آمدن دمای بدن از نشانه‌های بیماری است: درست. پایین آمدن و بالا رفتن دمای بدن نشانه بیماری است.	
۱۸	بیت فارسی را که در معنی، با حدیث مرتبط است مشخص کن (شماره بیت فارسی را مقابل حدیث بنویس). الف) مؤمن، کم‌سخن و برکار است. ۳ ب) روزگار دو روز است، روزی به سود تو و روزی به زیان تو. ۲	
۱۹	متن زیر را بخوان، سپس به پرسش‌ها پاسخ بده. کلمات فارسی از زمان دوره جاهلی وارد زبان عربی شدند، به نحوی که الفاظ فارسی بسیاری به سبب تجارت و ورود ایرانیان به عراق و یمن به زبان عربی انتقال یافتند و این کلمات به بعضی کالاها همچون مشک و حریر مربوط می‌شدند که نزد عرب‌ها نبودند. پس از پیوستن ایران به حکومت اسلامی، انتقال از فارسی به عربی شدت گرفت و در دوره عباسی، هنگامی که ایرانیان به دست امثال ابومسلم خراسانی و خاندان برمک (برمکیان) در برپایی حکومت عباسی مشارکت نمودند، نفوذ زبان فارسی افزایش یافت. و این مقفح نقش بزرگی در این تأثیر داشت، زیرا تعدادی از کتب فارسی مثل کلیله و دمنه را به عربی برگرداند. و فیروزآبادی (هم) از نامه مشهوری به اسم القاموس دارد که کلمات بسیاری به زبان عربی را دربرمی‌گیرد. الف) چه وقت نفوذ زبان فارسی در زبان عربی افزایش یافت؟ حین شارک الإبرائیون فی قیام الدولة العباسیة علی ید أمثال أبی مسلم الخراسانی و آل برمک (هنگامی که ایرانیان به دست امثال ابومسلم خراسانی و خاندان برمک (برمکیان) در برپایی حکومت عباسی مشارکت نمودند). ب) چه کسی نقش بزرگی در تأثیر کلمات میان زبان فارسی و عربی ایفا نمود؟ ابن المقفح. ج) کلمات زیر را ترجمه کن. ۱- مُسک، ۲- دربرمی‌گیرد.	
۲۰	به پرسش‌ها پاسخ بده. یا چه چیزی تکالیف را می‌نویسی؟ یم: مخفف بماذا (یا چه چیزی) است.	
۲۱	کلمات را مرتب کن و یک سؤال و جواب درست بنویس بساز. یکم هذه السراويل؟ بسیعین ألف تومان. (قیمت) این شلوارها چند (تومان) است؟ هفتاد هزار تومان.	